

ابن ماجد

راهنمای واسکودوگاما

○ حسین نوربخش

می‌نویسد:

«شهرت ابن ماجد نزد پژوهندگان اروپایی به طور کامل براساس ذکر نام او در متن عربی بوده است با عنوان دریانوردی که راه آفریقا به هندوستان را به واسکودوگاما نشان داده. این مطلب در رساله البرق الیمانی فی فتح العثماني نوشته قطب الدین نهروال (۱۵۱۱-۱۵۱۲) مذکور است و حکایت از این دارد که پرتغالی‌ها بعد از تلاش بسیار بالاخره به ساحل شرقی آفریقا رسیدند.

به نوشته این رساله رهبر فرانک‌ها، به نام المیلاندی یا امیرانت، با ابن ماجد دوست شده و او راه دریایی را به آدمیرال پرتغالی نشان داده گفت: «در این قسمت به ساحل نزدیک نشوید (منظور ساحل شرقی آفریقا و بخش شمال ملندی بوده)، مستقیم به طرف دریای باز بروید، آن گاه به ساحل هند خواهید رسید و از موج‌ها و طوفان‌ها در امان خواهید ماند».

هنگامی که پرتغالی‌ها این دستورات را اجرا کردند، تعداد زیادی از کشتی‌های آنها از غرق شدن و نابودی نجات یافته و بسیاری از آنها به دریای غربی هند رسیدند.^۲ پرفسور رضا و دکتر اقتداری در تحقیق بسیار ارزنده خویش درباره ابن ماجد، ما را از مراجعه به سایر اسناد و مدارک و متون متفرقه بی نیاز ساخته‌اند.

پرفسور رضا مطلب مفصلی درباره ابن ماجد تحریر کرده‌اند که در اینجا تنها به اطلاعاتی

زیارت کرده است. در کتابش چهار مرتبه از خود با لقب خُلف شیرها یاد کرده و پس از سه رهنامه نویس و ناوران ایرانی، شاذان، آبان، کهدان، خودش را شیر چهارم می‌داند.

درجای دیگر کتاب بار دیگر به خود لقب شیر دریای ژیان داده و سپس با عنوان معلم به توصیف خود پرداخته است: «من احمد بن ماجد معلم عرب هستم». برحسب نوشته کتاب فوق که متعلق به گنجینه کتب شرقی پاریس است، پدر و پدر بزرگ او معلم و مؤلف رسالات کشتیرانی و دریاداری بوده. و پسر و نوه شان نیز کار آنها را دنبال کرده‌اند.^۱

یکی از مهمترین کارهایی که ابن ماجد در اواخر عمر خود به سنجیده یا نسجیده انجام داد، راهنمایی ناوگان واسکودوگامای پرتغالی بود، درباره سفرنامه واسکودوگاما، کتاب‌های زیادی به رشته تحریر درآمده است که کتاب به سوی ستاره‌ای به نام آفتاب یکی از آنها می‌باشد. بنا به نوشته اکوارز کاپرال پرتغالی، حاجی کمال‌الدین شیرازی، بازرگان ایرانی، راهنمایی ناوگان پرتغالی‌ها را از خلیج بنگال تا کلکته بر عهده داشته ولی به استناد تحقیقات محققینی چون عنایت‌الله رضا، احمد اقتداری، اسماعیل رائین و سایر منابع و مأخذ موجود، ابن ماجد دریانورد مشهور این کار مهم را به انجام رسانیده است.

دکتر احمد اقتداری، در مقدمه کتاب الفوائد فی اصول علم البحر و القواعد، اثر ابن ماجد،

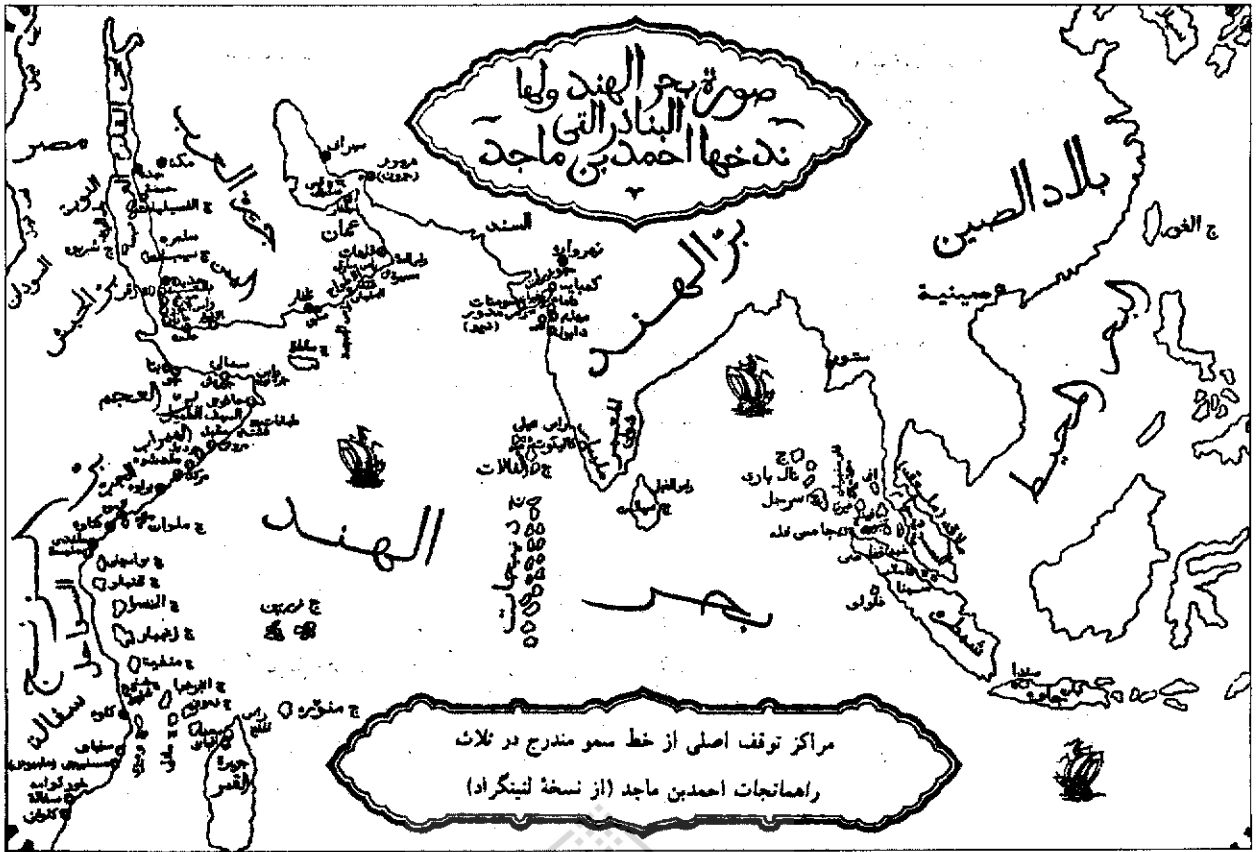
مدارک و نوشته‌های بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد احمد بن ماجد دریانورد مشهور و معلم عرب و شاعر دو قبله (مکه و اورشلیم)، راهنمای واسکودوگامای پرتغالی از شرق آفریقا به هندوستان بوده است.

نکته جالب توجه برای ما ایرانی‌ها این است که دکتر احمد اقتداری در مقدمه کتاب الفوائد فی اصول علم البحر و القواعد یا آئین‌های دریانوردی کهن دراقیانوس هند و خلیج فارس اثر ابن ماجد، استدلال کرده است که ابن ماجد، ایرانی، مسلمان، شیعه و اهل بندر کُنگ از بندر شرق بندر لنگه بوده است.

ابن ماجد دریانورد مشهور قرن ۹ قمری (۱۵ میلادی)، حق بزرگی به گردن همه دریانوردان دریای سرخ، دریای پارس و اقیانوس هند داشته و آثار ملون وی که بیش از چهل کتاب و جزوه دست‌نویس مشحون از مسایل دریایی و دستورالعمل‌های دریانوردی است. هنوز هم مورد استفاده دریانوردان دریاهای مذکور قرار دارد.

بنا به نوشته اسماعیل رائین، شیخ شهاب‌الدین احمد بن ماجد جلفاری، مؤلف دستورالعمل‌های کشتیرانی برای اقیانوس هند، دریای سرخ، خلیج فارس، دریای چین غربی و آب‌های مجمع‌الجزایر مالایا در قرن پانزدهم بوده است.

وی به خود لقب شاعر دو قبله یعنی مکه و اورشلیم می‌دهد زیرا او این مکان‌های مقدس را



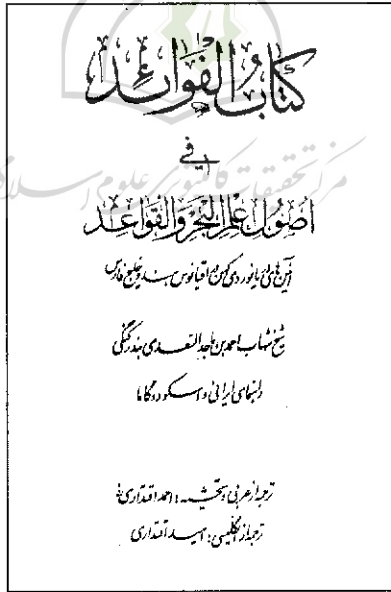
به آنان کمک می‌رسیده و راه را بر مسلمانان سد کرده و آنان را غارت و اسیر نموده، و ستم بسیار رومی داشتند.

شوموفسکی، نوشته‌های مآخذ پرتغالی را در این زمینه معقول‌تر می‌شمارد و معتقد است که ابن ماجد موافقت کرده بود تا راهنمایی کشتی واسکودوگاما را در قبال مزدی قابل ملاحظه بر عهده بگیرد.

هنگامی که هیأت دریانوردان پرتغالی به فرماندهی واسکودوگاما از دماغه امپدینیک گذشتند، اقبانوس دیگری را در برابر خود دیدند. واسکودوگاما، حاضر نبود خود و همراهانش را به مخاطره افکنده و شخصاً راهی را در پیش گیرد که پایانی بر آن متصور نبود. او در طول کرانه‌های شرقی آفریقا پیش رفت تا به ملندی (Malindi) رسید و در آنجا به جستجوی راهنمای خارجی پرداخت. شاه ملندی که نسبت به بیگانگان مهربان بود، ابن ماجد را معرفی نمود.

واسکودوگاما این راهنمای برجسته را به کشتی خود دعوت کرد. ابن ماجد در اجرای درخواست شاه ملندی موافقت خود را در همکاری و همراهی با گروه واسکودوگاما اعلام داشت. وی نقشه‌ای از کلیه سواحل هند را به واسکودوگاما ارائه کرد که دارای نصف النهارها و مدارهای بسیار دقیق، اما فاقد جهت باد بود.

این نصف النهارها و مدارها گرچه به نظر بسیار کوچک می‌رسیدند، اما از دقت فراوانی



نمی‌توانست به اقبانوس هند راه یابد، تا اینکه یک غراب توانست از آنجا بگذرد. آنها با جدیت به کسب آگاهی از این دریا پرداختند و سرانجام ملاح با تجربه‌ای به نام ابن ماجد راه را به آنان نشان داد.

رئیس فرنگیان آدرمال، با ابن ماجد از در دوستی درآمد و او نیز راه را به آنان نشان داد، آدرمال مذکور واسکودوگامای مشهور بود.

قطب الدین پس از شرح ماجرا چنین نتیجه می‌گیرد که پرتغالیان به دریای هند راه یافته، و جزیره هرمز را متصرف شدند. از آن پس پیوسته

درباره راهنمایی پرتغالی‌ها تا هندوستان بسنده شده است. وی در این باره می‌نویسد:

«از تاریخ صحیح و درگذشت ابن ماجد اطلاع دقیقی در دست نیست، ولی از تاریخ نوشته‌ها و آثار او می‌توان دریافت که در سده ۹ ق / ۱۵ م. می‌زیسته است. گابریل قران تولد او را در دهه سوم سده ۱۵ دانسته است. گواچکوفسکی نیز تولد او را حدود سال ۱۴۳۰ م. نوشته است.

شوموفسکی به نقل از قطب الدین مکی نهروال که همواره از اقدام ابن ماجد به خاطر راهنمایی پرتغالیان به هندوستان با نفرت فراوان یاد کرده، چنین می‌نویسد:

«از حوادث مصیبت بار اوایل سده ۱۰ ق. ورود شیاطین پرتغالی یکی از قبایل فرنگیان ملعون به نواحی هندوستان بود. واحدهای آنان با کشتی‌ها از تنگه سئوتا (Cevt یا سینته (جلب الطارق) به دریای ظلمات (اقیانوس اطلس) روان شد و از کنار کوه‌های القمر (ماداگاسکار) گذشته و به جایی رسیدند که سرچشمه رود نیل است. آنها که راه شرق را گم کرده بودند، خود را در تنگه‌های نزدیک ساحل یافتند که یک سوی آن کوه و سوی دیگر آن دریای ظلمت بود.

در این ناحیه آب‌ها سخت متلاطم بود. کشتی‌های آنان چون قدرت شکافتن امواج را نداشتند در هم شکسته می‌شد و کسی از آنان زنده نمی‌ماند، ولی آنان با سماجت همواره این راه را طی می‌کردند و غرق می‌شدند و کسی



واسکودوگاما. عکس از کتاب «عمان و تاریخها البحری»، ۱۹۷۹، عمان

شوموفسکی، با تکیه بر مآخذ پرتغالی معتقد است که ابن ماجد با پرتغالی‌ها توافق کرده بود تا راهنمایی کشتی واسکودوگاما را در قبال مزدی قابل ملاحظه بر عهده بگیرد

پیکانی روی آن با دست گردش می‌کرد و آن را اسطرلاب می‌خواندند و به کمک آن می‌توانستند ارتفاع خورشید را در روز و ارتفاع ماه یا ستارگان را در شب اندازه بگیرند و در نتیجه بفهمند در کجای دریا قرار گرفته‌اند و ما هنگام مراجعت از هندوستان، اسطرلاب را با خود به پرتغال بردیم.»^۱ این نوشته نشان می‌دهد در آن تاریخ که ایرانیان از اسطرلاب به عنوان وسیله‌ای در امور دریایی استفاده می‌کردند، اروپایی‌ها و به خصوص پرتغالی‌ها حتی با اسم اسطرلاب هم آشنایی نداشته‌اند؛ بنابراین باید به قسمت اخیر نوشته شوموفسکی با تردید نگاه کرد.

پروفسور رضا در ادامه بحث می‌نویسد: «فران بر پایه یادداشت‌های روزانه فرمانده کشتی در سال ۱۴۹۸ م. مطالبی ذکر کرده است، وی ضمن بیان موافقت ابن ماجد در همراهی با واسکودوگاما نکته‌ای را که او پیش از حرکت به سوی هند بیان داشته بود، چنین نقل کرده است: «به ساحل این تنگه نزدیک نشوید (مقصود ساحل شرقی آفریقا در شمال ملندی است). به سوی دریای آزاد حرکت کنید، در آن صورت به سواحل (هند) نزدیک خواهید شد و از امواج سهمگین محفوظ خواهید ماند. آنها به «گوا» در ساحل آن رسیدند.»

تاریخ حرکت کشتی واسکودوگاما به راهنمایی ابن ماجد را ۲۴ آوریل سال ۱۴۹۸ نوشته‌اند. حدود یک ماه، و چند روز پس از ورود پرتغالی‌ها به ملندی، یعنی بیستم ماه مه همان سال، آنها در کالیکوت (از ایالت کرالا)، واقع در سواحل غربی هندوستان پیاده شده بودند. این گونه بود که برای نخستین بار راه دریایی اروپا به خاورمیانه ثروتمند، توسط یک راهنمای عرب! گشوده شد.

ابن ماجد از کوشش پرتغالی‌ها برای گذر از طریق دماغه امیدنیک و ورود به اقیانوس هند و نیز از دستبردهای آنان در سواحل شرق آفریقا آگاه بود. بنابر نوشته او، فرنگیان (اروپایی‌ها) با گذر از مدخل که همان راه دماغه امیدنیک است و میان سفاله و مغرب شمال آفریقا واقع است، به سفاله رسیدند. آنها به هندوستان رفته، و سپس به زنگبار درآمدند و سرانجام از همان راه بازگشتند. ابن ماجد تاریخ این ماجرا را ۹۰۰ ق. برابر با ۱۴۹۵ م. نوشته است، وی سپس متذکر می‌گردد که فرهنگیان در ۹۰۶ قمری (۱۵۰۱ م) بار دیگر به هندوستان بازگشتند، خانه‌هایی در آن دیار خریداری نموده و در آنها سکنی گزیدند و به فرمانروایان سامری که وی آنان را به صورت سوامر آورده، اتکا کردند. چندان که مردم به آنان بدگمان شدند.

از نوشته‌های ابن ماجد چنین بر می‌آید که از

می‌کنند.» ابن ماجد این وسیله را ارائه کرد، واسکودوگاما، پس از این گفت و گو، دریافت که مخاطبش مردی کاردان است وی که نمی‌خواست چنین راهنمای با ارزشی را از دست بدهد، پیشنهاد کرد هرچه زودتر آماده حرکت به سوی هند شوند. آ»

موضوع تخته اسطرلاب

لازم به ذکر است که آلوارز کابرال، افسر و وقایع‌نگار کشتی واسکودوگاما در سفرنامه خود (به سوی ستاره‌ای به نام آفتاب)، می‌نویسد: «ناخدایان ایرانی که به هندوستان می‌آمدند علاوه بر قطب‌نما یک صفحه مدرج داشتند که

برخوردار بودند. شوموفسکی یادآور می‌شود که واسکودوگاما تخته اسطرلاب بزرگی را که با خود آورده بود. همراه با دستگاه‌های فلزی دیگری برای تعیین اوج خورشید و ستارگان، به ابن ماجد عرضه کرد، ابن ماجد گفت: «راهنمایان عرب در دریای سرخ از ادوات سه گوشه و چهار گوشه برای جلوگیری نقطه اوج خورشید به ویژه ستاره قطبی بهره می‌گیرند که برای دریانوردان حائز اهمیت فراوان است. وی افزود که:

«دریانوردان هند و نیز خود او از وسایل مذکور با در نظر گرفتن محل ستارگان در شمال، جنوب، شرق و غرب برای ادامه دریانوردی استفاده



الفونسو دالبوکک. عکس از کتاب «عمان و تاریخها البحری»، ۱۹۷۹، عمان

از جمله دلایل ایرانی بودن ابن ماجد این است که در همه صفحات کتاب «الفوائد» او تعداد زیادی لغت فارسی کهنه و ناب در علوم دریایی و جغرافیایی مناطق خلیج فارس و اقیانوس هند یافت می‌شود

مندرج در کتاب حاویة الاختصار فی الاصول علم البحار است. ابن ماجد این منظومه نجومی را به وصی رسول الله اسد الله الغالب علی بن ابیطالب (ع) تقدیم داشته است (شوموفسکی) تئودور شوموفسکی با آنکا به نظر «فران» از اعتقاد ابن ماجد به تشییح یاد کرده است. کراچکوفسکی نیز همین عقیده را ابراز داشته می‌نویسد:

«چنین به نظر می‌رسد که او از جهت معتقدات مذهبی، شیعه بوده این نکته با توجه به رابطه‌ی او با ایرانیان قابل پذیرش می‌نماید.»^۵ برای اثبات ایرانی بودن ابن ماجد می‌بایست به ترجمه کتاب الفوائد فی اصول علم البحر و

راهنمایی پرتغالی‌ها احساس شرمساری می‌کرده است. وی با اندوه از ورود فرنگیان (پرتغالی‌ها) به کالیکوت یاد کرده و نوشته است که آنان به کالیکوت درآمدند. با خودسری‌های خویش به خرید و فروش دست زدند و ضمن تکیه بر فرمانروایان عرصه را بر دیگران تنگ کرده و بی‌زاری از اسلام را با خود به همراه آوردند و مردم را با وحشت و نگرانی دست به گریبان کردند.»^۵

آیا ابن ماجد، ایرانی بود؟

ابن ماجد را شخصی مسلمان، شیعه، ایرانی و اهل بندر گنگ دانسته‌اند. «از نوشته‌های ابن ماجد می‌توان ارادت او را نسبت به خاندان نبوت و امامت دریافت. دلیل این مدعا مطالب

القواعد ابن ماجد که در ایران توسط آقایان احمد و امید اقتداری با عنوان «اثنین‌های دریانوردی کهن در اقیانوس هند و خلیج فارس» به فارسی برگردانیده شده است مراجعه کنیم.

قبل از دکتر اقتداری، اسماعیل رائین و سپس پرفسور عنایت الله رضا از ابن ماجد سخن گفته، و او را دریانوردی ماهر، مسلمان و شیعه دانسته‌اند ولی هیچ کدام به ایرانی بودن او اشاره‌ای نکرده‌اند.

احمد اقتداری که عمر خود را در تألیف، تحشیه، ترجمه و نگارش کتاب‌های سودمند سپری کرده است، در ترجمه کتاب ابن ماجد با ارائه اسناد و مدارکی، معتقد است که ابن ماجد ایرانی و از اهالی بندر کنگ (بندر کنگ در شش کیلومتری شرق بندر لنگه واقع در استان هرمزگان) بوده، وی مطالب بسیار جالب، مفصل و مستندی در این زمینه ارائه نموده که در زیر به اختصار به آن اشاره می‌شود:

دلایل ایرانی بودن ابن ماجد

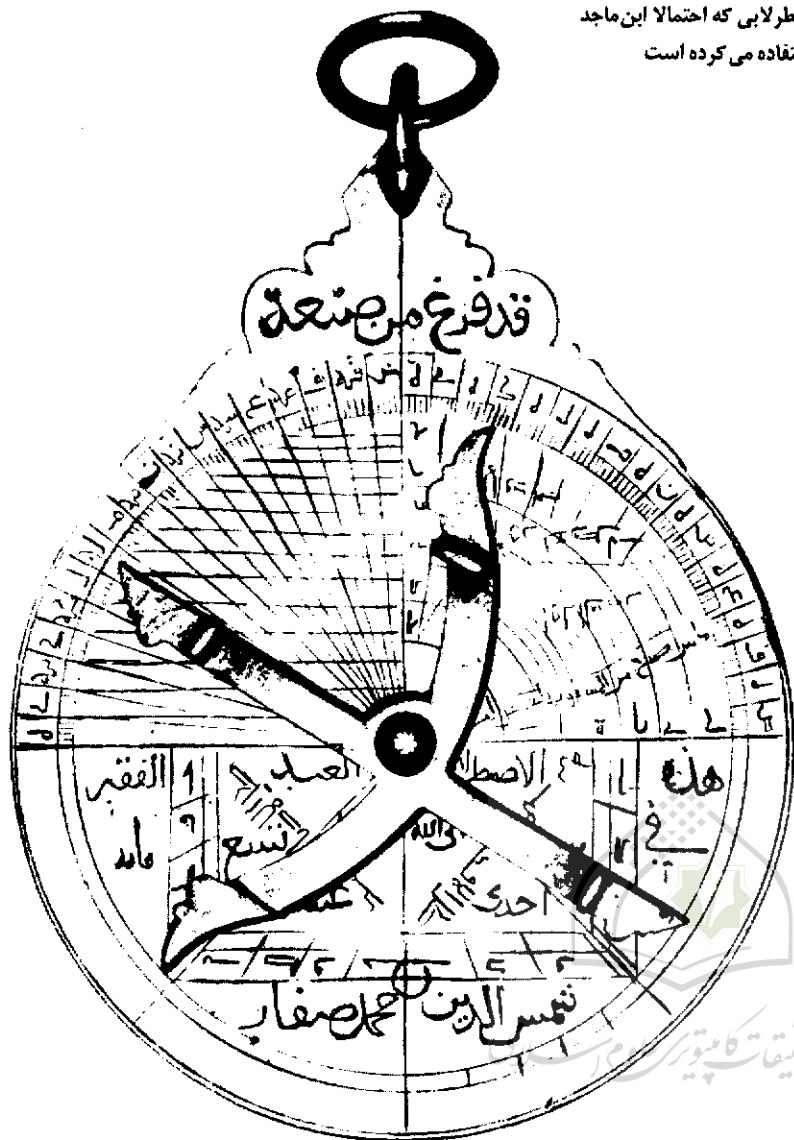
احمد بن ماجد السعدی یا شیخ شهاب احمد بن ماجد السعدی یا شهاب‌الدین احمد بن ماجد جلفزاری ایرانی و مسلمان شیعه بوده است. وی در کرانه‌های خلیج فارس به دنیا آمده و خانواده و تبارش از مردمان بندر کنگ کنونی بوده‌اند که زبان فارسی را می‌دانسته‌اند، او زبان عربی را با شیوه فکری و مفاهیم ذهن، ایرانی، سخن می‌گفته و می‌نوشته است.

از جمله دلایل ایرانی بودن شهاب‌الدین احمد بن ماجد السعدی این است که در همه صفحات کتاب «فوائد» تعداد زیادی لغت فارسی کهنه و ناب در علوم دریایی و جغرافیایی مناطق خلیج فارس و اقیانوس هند یافت می‌شود، مانند تیر، میخ، زام، لنگر، دستور، خن، زیرباد، زیربادیه، رمنامه، سرهنگ، آبخور، سیراب و صدها واژه دیگر.

به کاربردن جمله‌ها و عبارت‌هایی که به طور ضمنی مفهومی ایرانی دارد از دیگر نشانه‌های ایرانی بودن اوست مانند: اِرتَفَع بَحْتَنک اِیْها الملاح» که به معنی بخت تو بلند است ای دریا نورد و «خانتک» که به معنی خانه توست و نشان از مایه‌ی فکری و فرهنگی زبان فارسی ابن ماجد دارد.

به کاربردن کلمه نوروز (نیروز و نیروز سلطانی)، محاسبه اوقات دریانوردی و تاریخی موسم مسافرت‌های دریایی با تاریخ هجری شمسی و بر مبنای تقویم جلالی، استناد به شواهد، اندرزا و گفته‌های خواجه نصیرالدین طوسی، فقیه بزرگ شیعه خراسانی و حکیم ابوالقاسم فردوسی، نوشته‌ها و گفته‌های دریانوردان کهن چون، خواشیر، دادویه، تبرویه و

اسطرلابی که احتمالاً ابن ماجد استفاده می کرده است



امثال آنها، نیز شاهدهی دیگر به ایرانی بودن وی است.

هم چنین ذکر بندرها، جزایر، آب‌ها، رودها و کوه‌های مناطق اطراف خلیج فارس به صورتی کاملاً دقیق از نظر تلفظ واژه‌ها، حتی در تبدیل لغات از صورت فارسی به صورت عربی مانند «خارج» به جای «خارگ» و امثال آنها، تحسین و تمجید از پادشاهان ایرانی که آنها را اکاسره یعنی کسریان ساسانی می‌نامد و دقت در وضع آب و هوا، محصولات، بادها و موسم‌های سواحل خلیج فارس و دریای عمان بیش از سایر سواحل و دریاها، ذکر اسامی شاهرخ، تیمور، الغ بیگ و زیج الغ بیگ در ایران و آوردن بی‌تی از شاهنامه فردوسی به عنوان دستور زندگانی راستان و یویندگان راه خداپرستی و ایمان، نشان می‌دهد که احمد بن ماجد ایرانی تبار بوده و با فرهنگ ایرانی به قدری آشنا بوده است که مفاهیم فرهنگ عربی را در برخی اوقات از یاد می‌برده و با فرهنگ و اندیشه ایرانی می‌نوشته است. شهاب الدین احمد بن ماجد السعدی از مردمان بندر کنگ بوده است بنا به نوشته اقتداری، احمد بن ماجد در هیچ یک از نوشته‌هایش، خود را عرب و یا از مردم جلفار، ذکر نکرده و نام پدران خود را چنانکه ادعا شده نیاورده است. تنها کسی که نام پدران او را نوشته سیدعلی چلبی است که او را «شهاب الدین احمد بن ماجد بن محمد بن... تا ابی الکرائب البحری» نوشته و در هیچ مأخذ دیگری ذکری از پدران و اجداد متوالی احمد بن ماجد به میان نیامده و خود او هم در هیچ یک از آثار خویش ذکری از پدران و اجداد و حتی لقبش (شهاب الدین) ننموده است و همه جا خود را احمد بن ماجد و یا شهاب احمد بن ماجد نامیده است؛ تا آنجا که کلمه شیخ هم در ارتباط با شهاب احمد بن ماجد به کار نرفته است.

پس پدران و اجداد ابن ماجد شناخته شده نیستند. القاب شهاب الدین، شیخ شهاب الدین و غیره هم در آثار او نیامده است. بنابراین جز اینکه او را احمد بن ماجد بنامیم هیچ گونه سند قطعی برای ذکر شجره نسب او یا القاب اجتماعی یا وطن و مولد او در دست نداریم.

اما نکته‌ای که بسیار پوشیده مانده و مورد توجه محققان واقع نشده و هیچکس آن راز نهفته را نگشوده است، قرینه‌ای بر اثبات بندر کنگی بودن او بدست نمی‌دهد و آن نکته پوشیده این است:

کلمه بی نقطه ححی

در نسخه تاجریه یا پاریس بنا بر تحقیق مرحوم گابریل فران فرانسوی نام او چنین ثبت بوده است:

«شیخ شهاب، احمد بن ماجد السعدی (گویا با

دکتر احمد اقتداری در مقدمه کتاب «الفوائد فی اصول علم البحر و القواعد»

یا «أئین‌های دریانوردی کهن در اقیانوس هند و خلیج فارس»

اثر ابن ماجد. استدلال کرده است که ابن ماجد، ایرانی، مسلمان شیعه و

اهل بندر کنگ از بنادر شرق بندر لنگه بوده و بیشتر لغات و اصطلاحاتی که

وی در کتابش بکار برده پارسی است یا ریشه در زبان پارسی و

لهجه‌های محلی مردم سواحل و بنادر خلیج فارس دارد

به گفته شوموفسکی، نام مؤلف اراجیز سه‌گانه دریایی که مورد تحقیق او قرار گرفته است احمد بن ماجد بن محمد بن... از اهالی شهر جلفار عمان بوده است. اما او این سخن خود را به گفته‌های مورخین پرتغالی مستند کرده در صورتی که بعضی از آن مورخین پرتغالی قرن ۱۶ میلادی، نسبت ابن ماجد را به هندی و مردم شبه قاره هند و یا بربری اهل گجرات منسوب کرده‌اند. این گفته‌ها نادرست بوده و به نقل از شخصی به نام

یک کلمه بی نقطه ححی)، رئیس علم البحر و فاضله، گابریل فران خود موفق به خواندن کلمه بی نقطه «ححی» نشده است. هامرپور گشتال و محققان پس از او هم اساساً بدین نکته توجه نکرده‌اند و شاید آن را در ردیف قلم خوردگی و سهو قلم‌های کاتبین به حساب آورده، و تنها به گفته سیدی چلبی نویسنده ترک قناعت کرده‌اند. به طور کلی کلمه ناخوانای مزبور از تحقیقات بعدی حذف شده است.

دکتر احمد اقتداری، در مورد بندر کنگ و کلمه بدون نقطه "حجی" چنین ادامه می‌دهد: «بندر کنگ در ساحل ایرانی خلیج فارس، از دیرباز مرکز و منشا دریانوردان سخت کوش بوده است و دریانوردان کنگی به انجام سفرهای دور و طولانی شهرت داشته‌اند به طور که از چین و جاوه و سوماترا و حتی دریای ژاپن گذشته‌اند. کشتی‌های مردمان بندر کنگ نیز در استحکام و ظرافت و قدرت شهرت داشته‌اند. خانواده سعدی از مردمان این بندر بوده‌اند و هنوز از خانواده سعدی در بندر لنگه سکونت دارند.

احمدبن ماجد عرب نبوده بلکه وی از مردمان ساحل شمالی خلیج فارس بوده و با فرهنگ و معارف ایرانی و زبان فارسی آشنایی کامل داشته است. در نسخه خطی کتاب فوائد محفوظ در کتابخانه ملی پاریس نام او شیخ شهاب احمدبن ماجد السعدی ثبت شده است. گابریل فران فرانسوی در انتساب او به بندر «جلفار عمان» شک کرده و در نسخه‌ای از فوائد به دنبال اسم او کلمه‌ای ناخوانا به شکل (حجی) بدون نقطه دیده است.

بندر کنگ را اصطلاحاً کنگ با کاف مضموم و نون ساکن و گاف ساکن، تلفظ می‌کنند. از قرن‌ها پیش مرسوم بوده که در کتب و رسالات اسامی اماکن واملاء فارسی را با املاء و الفباء عربی بنویسند و در این تغییرات و دگرگونی‌ها کاف و گاف به جیم تبدیل می‌شده‌اند.

اکنون اگر این کلمه بی نقطه «حجی» را «جنجی» بخوانیم آشکار می‌شود که این کلمه همان «کنگی» یا «گنگی» است که به «جنجی» با جیم اول مضموم و نون ساکن و جیم و یاء آخر بدل شده و یاء آخر آن کلمه یاء نسبت است یعنی منسوب به جنج (کنگ) یعنی احمد بن ماجد بن محمد بن... السعدی از مردمان بندر کنگ بوده است.

شاید این نکته قابل تعمق باشد که آنچه «لباروش» گفته است که این ماجد راهنمای واسکودوگاما از اهالی هند بوده است بدون دلیل باشد زیرا او نمی‌دانسته کنگ (Koung) در ساحل ایران است و آن را با کنگ در هندوستان بر ساحل رود گنگ اشتباه کرده است.

به نقل از شوموفسکی، لباروش مورخ پرتغالی قرن ۱۵ میلادی بوده، که خود با واسکودوگاما سفر کرده یا شرح سفر او را شنیده و به رشته تحریر در آورده است.

بنابراین امکان آن که «لباروش» در قرن پانزدهم میلادی یعنی قرن حیات ابن ماجد کلمه کنگی یا جنجی که در نسبت ابن ماجد زبند بوده است شنیده باشد دور از ذهن نیست.^۱ اینک در پایان سخن به اعتبار نوشته‌ها و



ذکر بندرها، جزایر، آب‌ها، رودها و کوه‌های اطراف خلیج فارس با تلفظ دقیق فارسی یا تبدیل لغات فارسی به عربی مانند «خارج» به جای «خارگ» تحسین پادشاهان ایرانی که آنها را اکاسره نامیده، دقت در وضع آب و هوا، محصولات و بادهای خلیج فارس و... نشان از تبار ایرانی و آشنایی ابن ماجد با فرهنگ ایرانی دارد

می‌باشد که هر کدام به نحوی عمر خود را در راه سیر و سفردریایی طی کرده و خاطرات بسیاری از سفرهای طولانی خویش دارند.

در زمانی که نگارنده شهردار بندر کنگ بودم با ناخدایان بسیاری در این بندر آشنا گردیدم که خاطرات جالبی از سفرهای خود به آفریقا و هندوستان تعریف می‌کردند و کتاب بندر کنگ شهر دریانوردان و کشتی‌سازان، حاصل این دوره خدمت در استان هرمزگان می‌باشد.

لباروش بیان شده است، اما به اعتقاد خود شوموفسکی (نویسنده) نام ابن ماجد یک نام خانوادگی است و به مناسبت شغلش این نام را بر او گذاشته‌اند.^۲

بندر کنگ

بندر کنگ از بنادر کوچک ولی صاحب نام شهرستان لنگه در استان هرمزگان است، که در شش کیلومتری شرق بندر لنگه قرار داشته و دارای مردمانی بسیار کوشا و دریانوردانی دلاور



اصطلاحاتی که وی در کتاب خویش به کار برده پارسی است و یا ریشه در زبان پارسی و لهجه‌های محلی مردم سواحل و بنادر خلیج فارس دارد از جمله:

«اومانه (دریای عمان)، اپولوگوس یونانی (از ابله بصره قدیم)، آب وا (عمق ستج)، نیروز (نوروز)، زام (واحدی برای مسافت دریایی پیموده شده)، جولفار (گلبار)، ملمو، ملمو غراب (معلم، معلم کشتی)، باشی، طرفه، رجز، ابدال، تیر، سلبار، رهمانج، فرغ (از فروغ فارسی)، دبران (نام ستاره)، مرزام یا میوزام، قیقاوس (کیکاوس)، طیفون (طوفان)، دیره المول (دیره و مول، هر دو فارسی است)، گردافویی، استاد و استاذ، جلاب، خشاب، بطیل (پاتیل)، بوم (کشتی)، هیراب (چوب زیر آب کشتی)، جوش (شراع بند)، جادم (گادم)، دباسه، نحیل (یادبان)، شگه (تکه پارچه)، انجر (لنگر)، خراب و خوراب، سنوق (کشتی کوچک)، هوری، نر و ماده (سکان روی آن قرار می‌گیرد)، خاروه (عمله کشتی)، سرهنگ، بنداری، ملاح، کرانی، خوراب (آب خور کشتی)، دستور (قسمت بالای دکل)، جوش و جاش، فرمل (تحریف فرمن)، دگل، کنخا (قطعاتی شبیه کنف)، هیبال، غلامی، ربوسا، سکان، ماشوه، شقایق، دامان، دمن، بورا (نام رود دجله) و ده‌ها نام و کلمه و اصطلاح دیگر.

پی نوشت‌ها:

* واسکودوگاما Vasko.do.gama، دریانورد پرتغالی (۱۴۶۹-۱۵۲۴ م.) از راه دریا (دور زدن جنوب آفریقا) به شبه قاره هند رسید (۱۴۹۷-۹) این موفقیت ثروت این کشور را در دسترس اروپائیان گذاشت و به پیشرفت و افزایش قدرت پرتغال کمک کرد. وی در دومین سفر خود به شبه قاره هند (۱۵۰۲ م.) قدرت پرتغالیان را در هند و سواحل آفریقا با قوه قهریه مستقر ساخت. (برگرفته از: معین، محمد، فرهنگ فارسی، امیرکبیر، ۱۳۶۳)

۱- راین، اسماعیل: دریانوردی ایرانیان، جلد اول، ص ۳۶۳.

۲- ابن ماجد، کتاب الفوائد، فی اصول علم البحر و القواعد، ترجمه امید و احمد اقتداری، از انتشارات 'نجم آثار و مفاخر فرهنگی، سال ۱۳۷۲، صص ۶۷۶۸.

۳- رضا، عنایت الله: از مقاله ابن ماجد در کتاب دائرة المعارف بزرگ اسلامی ص ۵۴۸۵۵۰.

۴- کابرال، آواز: «به سوی ستاره‌ای به نام آفتاب» ترجمه ذبیح الله منصور، ص ۲۸۰.

۵- رضا، عنایت الله: همان، صص ۵۴۸۵۵۶.

ع همان

۷- ابن ماجد، کتاب الفوائد.

۸- همان، ص ۲۹۰۳۰.

۹- همان.

بنا به نوشته آوارز کاپرال پرتغالی، «حاجی کمال الدین شیرازی»، بازرگان ایرانی، راهنمایی ناوگان پرتغالی را از خلیج بنگال تا کلکته بر عهده داشته ولی به استناد تحقیقات محققینی چون عنایت الله رضا، احمد اقتداری و اسماعیل راین و سایر منابع و مأخذ موجود، ابن ماجد دریانورد مشهور این کار مهم را به انجام رسانیده است

هوا و محصولات و بادهای سواحل و دریاها، ذکر وسایل و ابزار سی گانه کشتی با نام‌های فارسی و آشنایی عمیق یا فرهنگ ایرانی باید دریانوردی ایرانی دانست.

دکتر اقتداری در ترجمه کتاب الفوائد فی اصول علم البحر و القواعد نوشته شیخ شهاب الدین احمد ماجد السعد کنگی، وی را راهنمای ایرانی واسکودوگاما^۱ مسلمان، شیعه و اهل بندر کنگ دانسته، معتقد است بیشتر لغات و

تحقیقات دکتر احمد اقتداری و شواهد موجود درمی‌یابیم که «ابن ماجد» دریانورد مشهور به استناد لغات و کلمات ناب فارسی که در سراسر آثارش بکار برده است و نیز بهره‌گیری از کلمات فارسی در عبارات عربی، ترجمه ضرب المثل‌های فارسی به عربی، استفاده مکرر از نام نوروز و نیروز ایرانی در نوشتن دستور العمل‌های دریایی، به کار بردن عبارات و اشعار بزرگان ایرانی در آثار خود، دقت در نوشتن نام صحیح جزایر و بنادر و آب و